

همایون اسعدیان از **ضرورت ایجاد نگاه‌نو** در **فیلم‌سازی شهر** می‌گوید

مشهد، نیازمند ایده‌های جدید برای فیلم‌سازی

الهام ظریفیان



هفته‌گذشته در جریان چهارمین اردوی تخصصی فیلم کوتاه «از ایده تا تولید، که به همت انجمن سینمای جوانان ایران و مؤسسه فرهنگی شهرآرا برگزار شد، سه سینماگر نامدار سینمای ایران همایون اسعدیان، کمال تبریزی و امیرشهاب رضویان به مشهد آمدند تا به پانزده فیلم‌ساز جوان در فرایند تولید سه فیلم کوتاه با مضامین مرتبط با مشهد کمک کنند. در ژانر ملودرام همایون اسعدیان گروه خود را تشکیل داد و کارگردان‌های جوان را به پایانه مسافربری مشهد برد، جایی که به قول خودش آدم‌ها مدام می‌آیند و می‌روند و شاید بهتر از لوکیشن‌های کلیشه‌ای دیگر بتوانند تصویری از مشهد را به ذهن مخاطب برساند. این اردو جمعه‌گذشته با نمایش سه فیلم کوتاهی که در مدت یک هفته ساخته بودند به کار خود پایان داد، اما پیش از آن فرصتی دست داد تا گپ کوتاهی با همایون اسعدیان داشته باشیم و درباره مشهد و ظرفیت‌های دراماتیکش گفت‌وگو کنیم. این گفت‌وگورا در ادامه بخوانید.

● این چند روز کار با فیلم‌سازان جوان و جویای نام چطور گذشت؟

در یک کلمه باید بگویم خوب گذشت. تجربه‌ای بود که خود من تا الان نداشتم. کار با پنج جوان از استان‌های مختلف که قطعا زیست و نگاه‌های مختلفی دارند، ولی در یک چیز مشترک اند و آن علاقه به سینماست، در یک کارگاه جمع شویم و با همدیگر طرحی را پیدا کنیم روی کاغذ بیاوریم و بسازیم، تجربه خیلی خوبی بود. حالا فارغ از اینکه نتیجه ساختن فیلم چه می‌شود، بیشتر مهم است که یک حرکت جمعی را تجربه کردیم و این برای خود من جذاب است.

● همین طور که گفتید رویدادی بود که مشابهش کمتر برگزار شده است. این اردو چه تأثیراتی می‌تواند بر تربیت نسل بعدی سینمای معاصر بگذارد؟

زوایای مختلفی دارد. یک زاویه‌اش این است که به نظر من هر کدام از این دوستان یک زندگی جمعی را تجربه می‌کنند. خود این ارتباطات و اینکه روز و شب هم با هم زندگی می‌کنند و با هم یک زیست جمعی را تجربه می‌کنند و باید گاه‌های‌گاه مخالف‌خودشان‌آشنایی شوند برای یک کار جمعی مانند سینما خیلی کمک می‌کند. یک زاویه‌اش هم این است که یک نفر به عنوان استاد از

تهران می‌آید و در کنار آن هاست و این تجربه خیلی خوبی است. راستش را بخواهید برای خودم که تجربه خیلی خوبی بود. اینکه نتیجه چه از آب در می‌آید به نظر من خیلی مهم نیست. چون قرار نیست یک فیلم کوتاه درخشان بسازیم، بلکه فرایند مهم است. مسیری که طی می‌شود مهم است. چون تجربه‌ای است که دیگر شاید به این سادگی تکرار نشود.

● اگر بگویم این اردو یک نتیجه کوتاه مدت و یک نتیجه بلندمدت دارد، به نظران نتیجه بلندمدت آن چه خواهد بود؟ اگر ما، یعنی من و همکارانی که این رویداد را طراحی کرده‌اند، کارمان را درست انجام دهیم، نتیجه بلندمدتش این است که آموزه‌های آن برای این جوان‌ها می‌ماند. آن‌ها چیزهایی را تجربه می‌کنند که اگر می‌خواستند خودشان به تنهایی تجربه کنند، شاید سال‌ها باید برای آن وقت می‌گذاشتند. ولی الان در یک دوره کوتاه دارند همین تجربیات را می‌گذرانند و این حتما به دردشان می‌خورد.

● این فرصتی است که قطعا برای فیلم‌سازان جوان غنیمت است. شما خودتان که الان در سینمای ایران شناخته شده هستید، قبلا توانسته بودید چنین تجربه‌هایی داشته باشید؟ اتفاقا من خودم چون از چهارده سالگی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شروع کردم کار جمعی را از همان سن یاد گرفتم. طبیعتا یاد گرفتن کار جمعی هر چه از

سن پایین‌تری باشد بهتر است. ما خیلی به کارهای جمعی عادت نداریم. سینما ما را مجبور می‌کند یاد بگیریم حرف‌ها و نظرات مختلف را گوش کنیم و کنار همدیگر کار کنیم. من در کانون پرورش فکری این تجربه را داشتم. آنجا همین کار را به یک شکل دیگر انجام می‌دادیم. اما سال‌هاست نتوانسته بودم چنین تجربه‌ای را دوباره داشته باشم. الان که سینمای جوانان ایران با همراهی شهرداری مشهد دارد این کار را می‌کند و در استان‌های دیگر هم می‌دانم که دارد انجام می‌شود، فکر می‌کنم آغاز راه خوبی است.

● با هویت مشهد چقدر آشنا هستید و وضعیت فیلم‌سازی مشهد را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در ایران فکر می‌کنم همه به واسطه وجود بارگاه امام رضا(ع) مشهد را یشنااسند. از جنبه فیلم‌سازی هم فکر می‌کنم مشهد یکی از قطب‌های فیلم‌سازی در ایران باشد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما در ایران این است که همه چیز در مرکز متمرکز است. هر جا هم در شهرستان‌ها می‌رویم دغدغه دوستان چه جوان و چه پاسبان گذاشته این است که امکانات در شهرستان‌ها نیست. اما درستی هم می‌گویند. واقعا همه امکانات در مرکز است. اما اگر چند قطب را که امکانات بهتر و گروه‌های

فیلم‌سازی خوبی دارند بخواهیم فهرست کنیم قطعا یکی‌شان مشهد است. هم در عرصه تئاتر و موسیقی و هم در عرصه سینما خیلی تأثیرگذار است. من قبلا هم با هنرمندان این شهر ارتباط داشته‌ام و می‌دانم نیروهای خوبی در بخش بازیگری و کارگردانی دارد. ● خود مشهد و مضامین مرتبط با مشهد و هویت مشهد چقدر ظرفیت دراماتیک دارند که بشود از آن‌ها در خلق سوژه‌های سینمایی استفاده کرد؟

مشهد متمرکز در حرم است. وقتی شما می‌گویید سوژه‌های مشهدی ذهن مخاطب به سمت حرم می‌رود. واقعیت این است که همه چیز برای مشهد در حول وحوش حرم می‌چرخد. من می‌دانم که در زندگی روزمره مشهد لزوماً این‌گونه نیست. شما در مشهد محله افغان‌ها را دارید. محله بلوچ‌ها را دارید که خودشان فعالیت دارند، ولی وقتی صحبت از مشهد می‌کنید ذهن‌ها را به سمت حرم می‌برید. وقتی از مضامین صحبت می‌کنید هم باز ذهن را به سمت حرم می‌برید. اگر شما بروید در محله افغان‌ها فیلم برداری کنید، شاید اصلا معلوم نشود در مشهد است، انگار که به کابل رفته‌اید. یا اگر در محله بلوچ‌ها فیلم برداری کنید، شاید به نظر بیاید که رفته‌اید در سیستان و بلوچستان فیلم برداری کرده‌اید، ولی چیزی که ذهن همه را به سمت مضامین مشهد می‌برد، حرم و سوژه‌های عرفانی و مذهبی است. هر چه هم که فیلم از مشهد ساخته شده است بر این مبنا بوده و چیز دیگری نداشته است.

● ارزیابی‌تان از کارهایی که تا الان از مشهد ساخته شده است چیست؟

مشهد شهر مدرنی است. من خودم سال‌ها پیش در آن فیلم برداری کردم، به‌جای تهران. یعنی صحنه‌های تهران را در مشهد فیلم برداری کردم. همین الان هم که در خیابان‌های مشهد می‌چرخم اصلا نمی‌توانم بگویم از تهران چیزی کم دارد. همه ساختمان‌ها، فروشگاه‌ها، جاده‌ها، خیابان‌ها و بزرگ‌راه‌ها یک شهر مدرن رانشان می‌دهند که به راحتی می‌توان به جای تهران از آن استفاده کرد. یک محدوده‌هایی در مشهد وجود دارد که خاص این شهر است، مثلاً توس و گرنه حتی طبقه و شاندیز هم به شما تصویر مشهد را نمی‌دهند، چون باغات سرسبزی هستند که می‌توانند هر جایی باشند. خارج از موضوع حرم، یکی از معضلات شهری مشهد از

نظر تصویری برای سینما این است که یک هویت مشخص ندارد. یک خیابان ندار که من آن را نشان بدهم و بگویم اینجا مشهد است. شما در کاشان یک نمای باز از یادگیرها بگیرید، مخاطب می‌فهمد کاشان است یا اگر کاشان نباشد، یک شهر مرکزی است. یا در اصفهان کوچه پس‌کوچه‌ها هویتی دارند که نشان می‌دهند اصفهان است. اما مشهد خیلی شهر مدرنی است و چنین چیزهایی ندارد. من نمی‌توانم در خیابان‌های مشهد فیلم برداری کنم و تماشاگر بفهمد که اینجا مشهد است.

● به نظر شما این خوب است یا بد؟

نه بد است نه خوب، ولی باعث می‌شود که وقتی می‌خواهیم به سمت سوژه‌های مشهد برویم خودبه‌خود به سمت حرم و توس و مثال‌های این‌طوری سوق داده شویم و گرنه ویژگی خاص شهری ندارد، چون مشهد یک کلان‌شهر است.

● قریب‌بود کارها را ارزیابی کنید. به نظرتان در کارهایی که تا الان از مشهد ساخته شده چه زوایایی مغفول مانده است که جای کار دارد؟

ببینید هر فیلم سینمایی را که الان در مشهد ساخته شده است یادم می‌آید، مثلاً از فیلم «کیمیای آقای درویش بگیرد تا کارهای رسول صدراعظمی با کار آخر بهروز شعیبی، یعنی بدون قرار قبلی»، همه یک‌جور به حرم ربط پیدا می‌کنند. همه این‌ها کارهای خوبی هستند. حالا اینکه کدام را من دوست دارم سلیقه شخصی من می‌شود.

● شما کاری درباره مشهد داشته‌اید؟ آن کاری که گفتید در

مشهد به جای تهران کار کردید، کدام کارتان بوده‌است؟

من آن موقع دستیار کارگردان بودم و فیلم «در آرزوی ازدواج» را با اصغر هاشمی کار کردم.

● اگر خودتان بخواهید درباره مشهد اثری بسازید، از چه زاویه‌ای به آن نگاه می‌کنید؟

من کمی نگرانم برای اینکه فکر می‌کنم بعضی چیزها تکراری می‌شوند. مثلاً همه فیلم‌نامه‌ها این‌طوری‌اند که یک‌نفر می‌آید مشهد، کیف پولش را می‌زنند و بعد پیدا می‌شود، یا مشکلاتی دارد که حل می‌شود. این یک خرده برای من تکراری شده‌است و به نظرم می‌آید که کهنه است. فکر می‌کنم بهتر است کمی نو تر به مشهد مقدس و داستان هایش نگاه کنیم.

● نگاه‌نو شما چیست؟

اگر داشتم که تا الان ساخته بودم (خنده).

● ولی ما خیلی دوست داریم شاهد کاری از شما باشیم که

همین نگاه‌نو را داشته باشد.

● شما لطف دارید ولی هر چه راجع به حرم می‌بینیم

و می‌خوانیم همین است. یک جوری می‌آییم اینجا دخیل می‌بندیم یا از دور سلام می‌کنیم و آقا مشکلمان را حل می‌کند.

● این مگر همان تعریفی نیست که خودتان اول گفتید؟

درباره مضامین مشهدی که از شما پرسیدم، گفتید یعنی حرم، ولی الان می‌گویید این نگاه تکراری شده است.

متأسفانه این نگاه کلیشه‌ای به حرم به عنوان یک بنگاه کارگشایی وجود دارد. نگاهی که قرار است مشکلات شما را از زنان و زایمان بگیرد تا مسائل مالی، برایتان حل کند. این نگاهی کلیشه‌ای به قضیه است و کاش می‌شد نگاه تازه‌تری کرد. مثلاً در کیمیا اصلا این‌طوری نیست. نگاهش به قضیه جور دیگری است. این موارد خیلی کم هستند. در بقیه کارها چه تله فیلم‌ها، چه سریال‌ها و چه سینمایی‌ها، همه انگار با همین نگاه به ظاهر عارفانه و ماورایی خواسته‌اند نگاه کنند.

● در کاری که در چهارمین اردوی تخصصی فیلم کوتاه «از ایده تا تولید»

با یک گروه پنج نفره از فیلم‌سازان جوان انجام دادید خواستید این نگاه کلیشه‌ای را دور بزنید؟

درباره این فیلم توضیح نمی‌دهم، چون باید اجازه بدیم کار تمام شود و به نمایش درآید. ولی یکی از مسائل ما در این اردو برای ساخت فیلم همین بود که اگر نخواهیم به سمت حرم برویم، چه چیزی از مشهد را باید نشان بدیم که مشخص کننده مشهد باشد. خب یک بخش لپه‌ه شخصیت هاست. طبیعتا خیابان‌ها این تصویر را به ما نمی‌دهند. کاری که ما الان با بچه‌ها داریم انجام می‌دهیم در ترمینال مشهد است. شاید بتوانیم آن فضا را بدیم. جایی است که محل عبور آدم هاست و آدم‌ها می‌آیند و می‌روند. ولی واقعا یکی از معضلات همین بود که چگونه هویت مشهد را بتوانیم در تصویر بیاوریم. بدترین شکش این است که یک نما از حرم امام‌رضا(ع) بگیرید و بگویید اینجا مشهد است.

● برگزاری این اردو از بعد آموزشی چه اهمیتی دارد؟

ببینید بعد آموزشی یک بحث است که حتما تأثیر دارد. من خودم را استاد نمی‌دانم ولی حتما تجاربی دارم که این دوستان ندارند و این اردو به انتقال این تجربه‌ها قطعا کمک می‌کند. چه در نگارش طرح، چه در اجرای طرح و چه سر صحنه قطعا تجربه‌های من می‌تواند به بچه‌ها کمک کند.

این یک طرف قضیه است. چیزی که بیشتر به نظر من به آن‌ها کمک می‌کند این است که یاد بگیرند سینما یک حرکت جمعی است و ذهنشان را باید باز کنند و اجازه بدهند دیگران هم حرف بزنند. در سینما فقط من نیستم که تصمیم بگیرنده هستم. یک مجموعه وجود دارد که باید همفکری کند.

از توی آن محصولی بیرون می‌آید که تesh امضای من پای کار می‌آید ولی واقعیتش این است که محصول جمعی بوده‌است. این را باید یاد بگیرند، به خصوص که پنج نفر قرار است یک کار را کارگردانی کنند. اگر یاد بگیرند که از خواسته‌هایشان در جهت خواسته‌های بقیه عدول کنند، هر کدام به بخشی از خواسته‌هایشان می‌رسند، ولی برآیندش می‌شود یک کار بدیرفتنی. اگر بتوانیم این تجربه جمعی را داشته باشیم، به نظر من خودش خیلی تأثیرگذار است.

با استاد همایون اسعدیان در ژانر ملودرام کار کرده‌ام. او افزود: وقتی چنین برنامه‌هایی از طرف نهادهایی مانند مؤسسه شهرآرا و انجمن سینمای جوانان شکل می‌گیرد، باعث می‌شود اردو با کیفیتی برگزار شود و فیلم‌سازان جوان، چند پله به مقصد و جایگاهی که دوست دارند نزدیک‌تر شوند.

این هنرمند با اشاره به اینکه وقتی وارد فضای فیلم برداری شدم قصه‌ها و ایده‌هایی برابم شکل گرفت که امیدوارم در آینده بتوانم به آن‌ها بپردازم. اظهار کرد: ژانر ملودرام بسیار خوب است و آن را دوست دارم اما فکر نمی‌کنم کارهای آینده‌ام در این ژانر باشد. او در پایان کار کردن با اساتیدی همچون کمال تبریزی، همایون اسعدیان و امیرشهاب رضویان را باعث موفقیت بیشتر فیلم‌سازان جوان و ساخت کارهای خوب در آینده دانست.



اجرای «بال‌هایم را پس بده» در فرهنگ‌سرای ترافیک



سرور هادیان | نمایش کودک «بال‌هایم را پس بده»، به نویسندگی امیر رستگارو کارگردانی سمانه حسینی برای علاقه‌مندان به تئاتر کودک و نوجوان، از پنج اسفند ماه به مدت ۱۰ روز، ساعت ۱۸ در فرهنگ‌سرای ترافیک روی صحنه می‌رود. به گزارش

شهرآرا، در این نمایش مهدی داورپناه، فاطمه خیرآبادی، فریبا غلامی، امید مهدوی، سینا زارع، پویا افشار، پارسا میراب آستانه، امیرعشریا مرتضایی، حسام صالحی، نازنین زحمت‌کش، مهدیه اسدی تبار، شایان شکفته، مهدی رستگار و مرتضی خدیوی به ایفای نقش می‌پردازند. قصه این نمایش، روایت پروانه کوچک کنجکاو است که با وجود توصیه‌های معلم خود به کوه سفید می‌رود و گرفتار دام عنکبوت می‌شود.... کارگردان این نمایش که دانشجوی کارگردانی فرهنگ و هنر است در گفت‌وگو با خبرنگار ما می‌گوید: پیش از این نمایش «شهر زیبا» را بعد از دوران کرونا به روی صحنه بردم که خوشبختانه با استقبال خیلی خوبی هم مواجه‌شدم. وی می‌افزاید: این نمایش نیز به نکات آموزشی اشاره می‌کند اما متأسفانه هیچ حمایتی از هیچ سازمان، ارگان و... از این نمایش انجام نشده‌است. حسینی ادامه می‌دهد: با خودم عهد کرده‌ام هر زمان کاری را تولید کنم، حتماً دو روز از اجرای آن را با لیخند بچه‌های خبریه و آسایشگاه‌ها و... شروع کنم. به همین دلیل چهارم و ششم اسفندماه برای آن‌ها روی صحنه رفتیم. وی تصریح می‌کند: این آمادگی را داریم که همچنان با هماهنگی‌های لازم، برای هر خبریه‌ای که متقاضی اجرا باشد اجرا داشته باشیم.

ایستگاه خبر

پیکر شهرام عبدلی در حرم مطهر رضوی تشییع شد

آخرین زیارت



شهرام عبدلی، بازیگر سینما و تلویزیون، روز گذشته در سن ۴۶ سالگی دار فانی را وداع گفت. پیکر عبدلی در حرم مطهر رضوی تشییع و برای خاکسپاری به تهران منتقل شد. به گزارش شهرآرا، عبدلی برای ایفای نقش در سریال «آسوده باش» به مشهد رفته بود که بعد از بازی در چند پلان، دچار عارضه مغزی شد و روز گذشته، ششم اسفندماه درگذشت. او چند روزی در بیمارستان بستری بود و پس از عمل جراحی هم نتوانست هوشیاری کاملش را به دست آورد و همچنان در کما بود. سریال در حال تولید «آسوده باش» به کارگردانی حسن حج‌گذار و تهیه‌کنندگی امیر رحیم‌زاده و مرتضی اسکافی آخرین فعالیت این بازیگر است که وی تنها در چند پلان که مربوط به بخش تیتراژ کار می‌شد، مقابل دوربین رفت. حسن حج‌گذار، کارگردان مشهدی سریال «آسوده باش»، ضمن عرض تسلیت به خانواده شهرام عبدلی و جامعه هنری اعلام کرد: به احترام و برای زنده نگه داشتن یاد آخرین هنرنمایی این بازیگر در عرصه بازیگری، از پلان‌های تصویربرداری شده‌وی در این سریال استفاده خواهیم کرد. شهرام عبدلی در فیلم‌های سینمایی «نفس‌های آرام»، «ماه‌گرفتگی»، «بکی برای همه»، «قصه دل‌ها» و «دختری در قفس» بازی کرده است.

چارشوق هنر

پخش هم‌زمان سریال‌های نمایش خانگی در ۱۵ کشور جهان



سریال‌های نمایش خانگی به عنوان محصولات فرهنگی ایران در کشورهای مختلفی از جهان در حال پخش است. به گزارش ایرنا، هفت سریال شبکه نمایش خانگی هم اکنون در شبکه‌های تلویزیونی و پلتفرم‌های پانزده کشور از قاره‌های چهارگانه جهان در حال پخش است که می‌توان آن را صادرات فرهنگی بخش خصوصی کشور برای مردم مناطق مختلف جهان به شمار آورد، محتوایی که بسیاری از مردم در کشورهای مختلف به علت رعایت اصول اخلاقی و خانوادگی آن را انتخاب و مشاهده می‌کنند. براساس این گزارش، سریال «جبران» به کارگردانی حسن فتحی در کشورهای بنگلادش، قزاقستان، عراق و پاکستان در حال پخش است و همچنین در شبکه‌های تلویزیونی ژاپن، روسیه، عراق، بوسنی و کشورهای حوزه خلیج فارس شامل قطر، عمان، امارت متحده عربی و شمال آفریقا از جمله تونس، مراکش، الجزیره و لیبی به‌زودی پخش خواهد شد. سریال «زخم کاری» هم به کارگردانی محمدحسین مهدویان در کشورهایی مانند بنگلادش، عراق، مالزی و روسیه به‌زودی به روی آنتن خواهد رفت. این سریال همچنین هم‌اکنون در آمریکای شمالی بر روی پلتفرم PBS بارگذاری شده و قسمت اول آن برای ایالات متعدد آمریکا قابل مشاهده است. سریال «هم‌گناه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مصطفی کیایی در تلویزیون‌های کشور بنگلادش، عراق و همچنین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا نیز به نمایش درآمده است. سریال «باغی، که محمد کارت کارگردانی آن را به عهده داشت هم در ژاپن، عراق و مالزی پخش می‌شود. علاوه بر این دو سریال «ملکه گدایان» به کارگردانی حسین سهیلی زاده و «می‌خواهم زنده بمانم» به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی در کشور عراق به نمایش درآمده است. دو مجموعه «نهنگ آبی» به کارگردانی فریدون جیرانی و «جزیره» به کارگردانی سیروس مقدم هم در کشورهای بنگلادش و عراق به نمایش درآمده‌اند. چندی قبل نیز خبر حضور سریال «آکتور» در جشنواره بین‌المللی سربز مانیآ در فرانسه رسانه‌ای شده بود.

ریحانه موسوی



چهارمین اردوی «ایده تا تولید، بعد از هشت روز فعالیت در مشهد به پایان رسید. در این اردو که با حضور «کمال تبریزی»، «همایون اسعدیان» و «امیرشهاب رضویان» به‌عنوان اساتید این اردو برگزار شده بود، پانزده نفر از اعضای منتخب انجمن سینمای جوانان کشور از شش استان شرق کشور تلاش کردند ضمن فراگیری آموزش‌های لازم در سه ژانر کمدی، تانزنی و ملودرام، در هر ژانر ساخت یک فیلم کوتاه را نیز از مرحله ایده تا اجرا و در کنار کارگردانان بزرگ سینمای ایران تجربه کنند.

● رضایت اساتید از نتیجه فعالیت فیلم‌سازان جوان در این اردو گروه امیرشهاب رضویان فیلم کوتاه و